

# تاریخ و رجحان

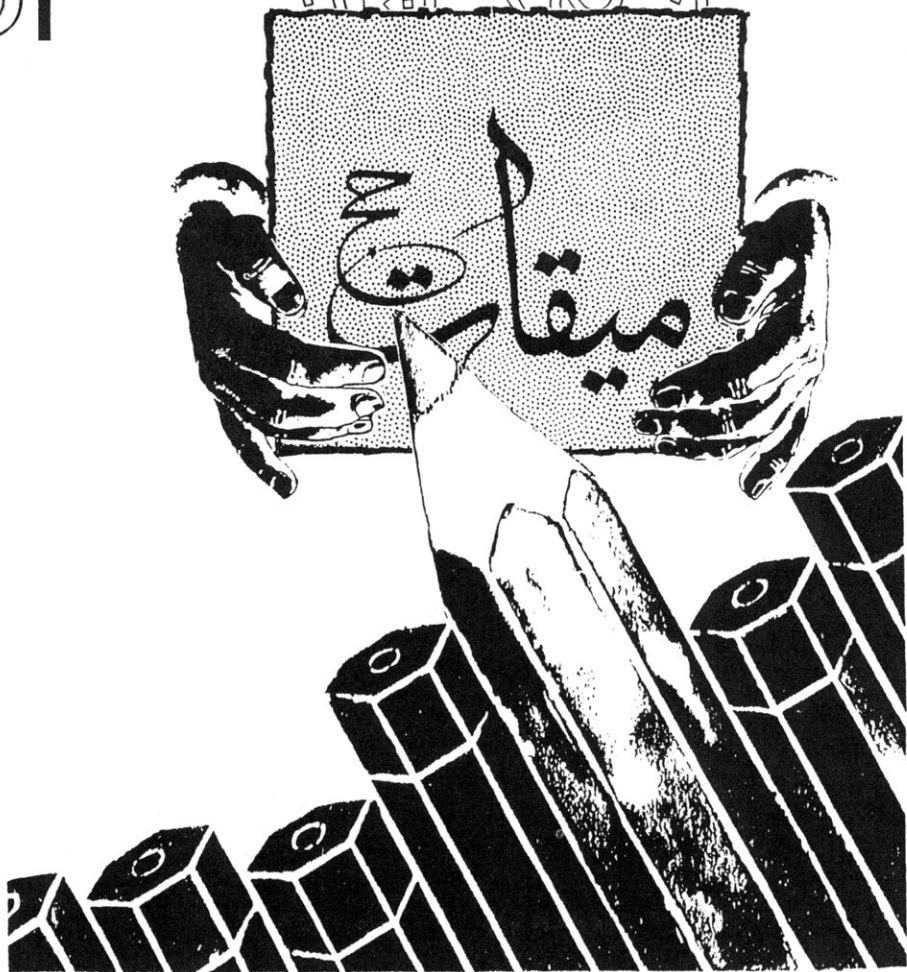
خاطر برآید

اسرار و معارف خجسته

امکان و آثار

فقه و حجة

حج در آئینه ادب و فلسفه





# تاریخچه پوشش کعبه

یعقوب جعفری

---

کعبه و متعلقات آن، از زمان حضرت ابراهیم - ع - تا کنون، آنچنان قداست داشته است که می‌بینیم تمام جزئیات ساختمان آن و هر چیزی که بگونه‌ای به کعبه تعلق دارد، مورد توجه دقیق مردم بوده و مورخان و سفرنامه نویسان جزئیات مربوط به این خانه مقدس را ثبت کرده و به نسل‌های بعدی انتقال داده‌اند.

یکی از متعلقات کعبه، که همواره مورد عنایت خاص مردم و حکومت‌ها بوده، پوشش یا همان «کسوه کعبه» است. پرده کعبه، در طول تاریخ شاهد تحولات بسیاری شده و گه‌گاه دستمایه‌ای برای بهره‌برداری‌های سیاسی و برخوردهای حاکمان و والیان گردیده است. نخستین پرسش درباره پوشش کعبه، این است که: چه کسی برای اولین بار به آن اقدام کرد و اولین پوشش، مربوط به چه زمانی است؟

بیشتر مورخان، نخستین کسوه کعبه را به «تبع حمیری» نسبت داده‌اند (که شرحش خواهد آمد) ولی در روایات ما این عمل به ابراهیم و اسماعیل - علیهما السلام - نسبت داده شده و در حدیثی امام صادق - ع - در مورد پرده کعبه فرمود:

«اسماعیل همسر عاقلی داشت. او پس از بنای کعبه، به اسماعیل پیشنهاد کرد که پرده‌ای روی دیوارهای کعبه کشیده شود، اسماعیل این پیشنهاد را قبول کرد و بدنبال آن



پشم بسیاری فراهم آورد و میان قوم خود تقسیم نمود تا آن را بربسند و آنها به سرعت چنین کردند. سرانجام پوششی فراهم شد که آن را قطعه قطعه بر کعبه آویختند و سه طرف این خانه مقدس پوشانیده شد و طرف چهارم را اسماعیل با برگ و الیاف گیاهی پوشانید، چون موسم حج رسید، و زائران از نزدیک آن را دیدند، خوششان آمد و هدایایی در اختیار اسماعیل قرار دادند که با کمک آنها، طرف چهارم کعبه نیز پوشانیده شد.<sup>۱</sup>

در روایت دیگری نیز از امام صادق -ع- نقل شده که فرمود: «حضرت آدم کعبه را به وسیله مو پوشانید و حضرت ابراهیم با الیاف گیاهی و حضرت سلیمان با قباطی».<sup>۲</sup>

البته روایت دوم که در آن پوشش کعبه به سه پیامبر نسبت داده شده که با سه چیز متفاوت پرده را پوشاندند، منافاتی ندارد با روایت اول که بگوییم: «نخستین کسی که کعبه را با پارچه پوشانید، اسماعیل و همسر او بودند».

در بعضی تواریخ اهل سنت نیز، اسماعیل -ع- نخستین پوشاننده کعبه دانسته شده است؛ از جمله محمد بن احمد فاسی می‌گوید:

از کسانی که کعبه را پوشانید ولی ازرقی از وی نام نبرده، اسماعیل پیامبر -ع- می‌باشد. گفته شده: او نخستین کسی است که کعبه را پوشانید.<sup>۳</sup>

و به پیروی از «فاسی»، مؤلف کتاب «الکعبه و الکسوه» نیز همین احتمال را داده است،<sup>۴</sup> ولی بطوری که گفتیم، بیشتر مورخان، نخستین کسوه کعبه را به «اسعد ابو کرب» از ملوک یمن، که به تبع حمیری معروف بود، نسبت داده‌اند و گفته‌اند: او اولین کسی بود که کعبه را پوشانید.<sup>۵</sup> به گفته مستوفی، او معاصر بهرام گور ساسانی بود.<sup>۶</sup>

به گزارش طبری، تبع و سپاه او بر سر راه خود به سوی یمن عازم مکه شدند. در بین راه مردی از قبیله هذیل به او گفت: پادشاه! آیا تو را راهنمایی نکنم به ثروت انبوهی که پادشاهان از آن غفلت کرده‌اند؟ گفت: آری. آن مرد گفت: در مکه خانه‌ای است که مردم آن را عبادت می‌کنند و نزد آن نماز می‌خوانند، این ثروت در آنجاست. تبع با چند نفر از اطرافیان مشورت کرد، آنها گفتند: این مرد جز هلاک تو و سپاهت را نمی‌خواهد و اگر به آن خانه دست درازی کنی، خود و سپاهت هلاک خواهید شد. پرسید: پس چه باید کرد؟ گفتند: وقتی وارد مکه شدی، مانند اهل آن، دور آن خانه طواف کن و در تعظیم و تکریم آن بکوش. تبع این نصیحت را پذیرفت و وارد مکه شد. او در خواب دید که روی کعبه پرده‌ای می‌کشد و لذا دستور

داد کعبه را با پارچه‌ای که خشن بود پوشانیدند، سپس دستور داد با پارچه‌های بهتری به نام‌های «معاقر» و «وصائل» که از یمن می‌آمد، بپوشانند و بطوری که گفته‌اند: تبع اولین کسی بود که کعبه را پوشانید و به والیان خود از قبیلۀ جرهم دستور داد که این کار را ادامه دهند و به تطهیر کعبه بپردازند.<sup>۷</sup>

این داستان به همین صورت در گزارش ابن هشام نیز آمده است.<sup>۸</sup> و در بعضی از کتب، از پیامبر نقل شده که اسعد تبع را سب نکنید؛ زیرا او اولین کسی است که کعبه را پوشانید.<sup>۹</sup> و در شرحی که سهیلی بر این قسمت از ابن هشام دارد، اضافه شده که تبع پس از انجام پوشش کعبه، این اشعار را خواند:

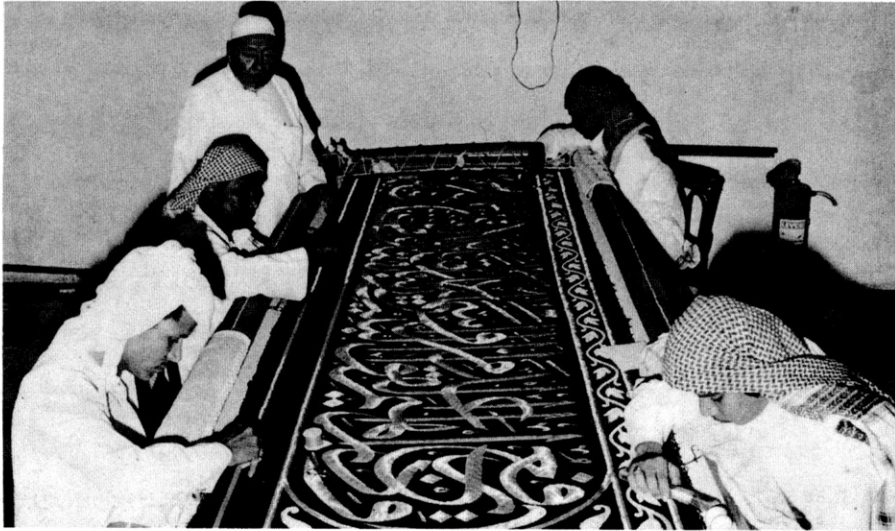
و کسونا البیت الذی حرم اللہ	و کسونا البیت الذی حرم اللہ
فاقمنا به من الشهر عشرًا	و جعلنا لبابه اقلیداً
و نحونا بالشعب ستة ألف	فتری الناس نحوهن وروداً
ثم سرنا عنه نوّم سهیلاً	فرعنا لواءنا معقوداً <sup>۱۰</sup>

از دوران تبع تا طلوع اسلام، اطلاعات اندکی درباره پوشش کعبه داریم و در کتب تاریخ از چند نفر نام برده شده که در جاهلیت، پوشش کعبه را تهیه کرده‌اند که عبارتند از:

۱- عدنان بن اذیا ادد؛ جد بیستم پیامبر اسلام؛ او از فرسوده شدن کعبه ترسید و کسوه‌ای بر آن پوشاند و نیز درباره‌اش گفته شده که اولین کسی بود که کعبه را پوشانید.<sup>۱۱</sup> به نظر می‌رسد که بعد از تبع کعبه پوشانیده نشد تا زمان عدنان و چون او پس از گذشت مدت زیادی پوششی برای کعبه آماده کرد، لذا او را نخستین کس دانستند.

۲- خالد بن جعفر بن کلاب؛ او نیز در دوران جاهلیت کعبه را با پرده‌ای از دیباج پوشانید و نخستین کسی است که کسوه کعبه را از دیباج کرد.<sup>۱۲</sup> این که بعضی گفته‌اند اولین کسی که کسوه کعبه را از دیباج کرد، یزید بن معاویه<sup>۱۳</sup> و یا حجاج بن یوسف بود،<sup>۱۴</sup> شاید نظر اینها به دوران بعد از اسلام بوده است.

۳- مادر عباس بن عبدالمطلب؛ نقل شده است که عباس کودک بود و گم شد. مادرش نذر کرد که اگر او را پیدا کند کعبه را بپوشاند و چون عباس را پیدا کرد به نذر خود عمل نمود و او نخستین زنی بود که به کعبه کسوه پوشاند.<sup>۱۵</sup>



۴- ابوریعۃ بن مغیره؛ به گزارش ازرقی، در دوران جاهلیت، قبائل مختلفی در تهیه کسوه کعبه مشارکت داشتند و هر قبیله‌ای وجهی را می‌پرداخت و پرده تهیه می‌شد تا اینکه شخصی به نام ابو ربیعۃ بن مغیره که تاجر ثروتمندی بود و از یمن کالا وارد می‌کرد، پیشنهاد نمود که کسوه کعبه را یکسال در میان، او به تنهایی تهیه کند، به این صورت که یکسال او و یکسال همه قریش کعبه را ببوشانند و تا وقتی که او زنده بود به قرارداد عمل می‌شد.<sup>۱۶</sup>

گزارش دیگر ازرقی حاکی است که همزمان با ظهور اسلام و هنگامی که هنوز مسلمانان قوت نگرفته بودند و کعبه در اختیار قریش بود، کعبه پوشش داشت و پوشش‌های متعددی بر آن می‌شد. ازرقی از عمر بن حکم نقل می‌کند که او گفته است:

«کعبه را دیدم که چندین پوشش از یمنی و خز و عراقی و پوست داشت و در این هنگام هنوز پیامبر اسلام در مکه بود و به مدینه هجرت نکرده بود.»<sup>۱۷</sup>

بنابراین، علاوه بر چهار نفری که نام آنها مشخص شد، قریش نیز بخصوص در اواخر عصر جاهلیت همواره بر کعبه پرده می‌پوشانیدند که رنگ آن یا سبز و یا زرد بود و جنس آن

خز یا موی بافته شده و یا پوست و یا پارچه با نقشه راه از یمن و یا پارچه‌های عراقی بود.<sup>۱۸</sup> و حتی گفته شده که کسوه‌هایی از عهد جاهلیت تا زمان معاویه بر کعبه باقی مانده بود که مردم پیشنهاد کردند این کسوه‌ها برداشته شود و به دستور معاویه همه آنها برداشته شد و در موقع کندن این کسوه‌ها ابن عباس حاضر بود و اعتراضی نکرد.<sup>۱۹</sup>

همچنین در این عصر، کسوه دو قسمت می‌شد؛ قسمتی به عنوان «قمیص» در روز ترویج و قسمتی به عنوان «آزار» در روز عاشورا پوشانیده می‌شد.

در عصر اسلام، اولین کسی که به کعبه کسوه کرد، خود پیامبر بزرگوار اسلام بود که در جریان فتح مکه این کار را انجام داد.<sup>۲۰</sup> و جنس کسوه از پارچهٔ یمانی بود.<sup>۲۱</sup> و پیامبر آن را از بیت المال تهیه کرد.<sup>۲۲</sup>

در عهد ابوبکر، از جنس پردهٔ کعبه اطلاعی نداریم و در هیچیک از منابع موجود که در دسترس مان بود، سخنی از آن به میان نیامده ولی در عهد عمر کسوهٔ کعبه از جنس «قباطی» بود که نوعی پارچه مصری است. عمر به عامل خود در مصر نامه‌ای نوشت و از او خواست که کسوهٔ کعبه در آنجا بافته شود و از آن زمان به بعد کسوه را مصر تأمین می‌کرد.<sup>۲۳</sup>

عثمان نیز همین کار را می‌کرد و کسوه از «قباطی» تهیه می‌شد.<sup>۲۴</sup> و گاهی هم از بردهای یمانی بود که عامل او در یمن (یعنی بن منبّه) تهیه و ارسال می‌کرد.<sup>۲۵</sup>

دربارهٔ کسوهٔ کعبه در عهد حضرت علی -ع- موزخان چیزی نگفته‌اند و حتی فاسی گفته است که شاید علی بن ابیطالب به خاطر اشتغال به جنگها و مقابله با خوارج فرصت تهیه کسوهٔ کعبه را نکرد.<sup>۲۶</sup>

این در حالی است که در منابع شیعی پوشش کعبه به دست علی -ع- آمده و در روایتی از امام صادق -ع- چنین نقل شده است:

«ان علی بن ابی طالب کان یبعث بکسوة البیت کلّ سنة من العراق»<sup>۲۷</sup>

«علی بن ابیطالب کسوهٔ بیت را همه ساله از عراق می‌فرستاد.»

در زمان معاویه بن ابی سفیان، سالی دوبار کعبه را می‌پوشاندند؛ در آخر ماه رمضان با کسوهٔ «قباطی» و در روز عاشورا با کسوهٔ «دیباج»<sup>۲۸</sup> و پیش از این از ازرقی نقل کردیم که در زمان معاویه کسوه‌هایی از زمان جاهلیت بر دیوارهای کعبه مانده بود که همه را کردند و ابن عباس که حضور داشت، به این عمل اعتراض نکرد.<sup>۲۹</sup>

در زمان یزید بن معاویه کعبه را با دیباج خسروانی پوشاندند و همچنین در عصر ابن زبیر و عبد الملک بن مروان نیز کعبه با دیباج پوشانیده شد و هر کدام از این سه نفر را به عنوان اولین کس که کسوه دیباج بر کعبه کرد، نام برده‌اند.<sup>۳۰</sup> و بطوری که قبلاً گفتیم در عصر جاهلیت نیز گاهی کسوه کعبه از دیباج بود. به گفته بعضی از مورخان در زمان یزید و ابن زبیر پرده کعبه گاهی از خراسان می‌آمد و گاهی هم از خراسان و هم از مصر، که هر کدام زیباتر بود آن را می‌پوشاندند.<sup>۳۱</sup> و در زمان عبدالملک کسوه را نخست در مسجد پیامبر می‌گسترده، سپس جمع نموده و به مکه می‌آوردند.<sup>۳۲</sup>

طبق گزارش تاریخ از عصر عباسیان، نخستین کسوه کعبه، به زمان مأمون مربوط می‌شود در زمان او کعبه را هر سال سه بار می‌پوشانیدند؛ یک بار در روز ترویبه با دیباج سرخ، بار دوم در اول رجب با قباطی و مرتبه سوم در بیست و هفتم رمضان با دیباج سفید.<sup>۳۳</sup> در عهد متوکل عباسی نیز به همان سنت رفتار می‌شد. و گاهی هر دو ماه یکبار پوشانیده می‌شد.<sup>۳۴</sup>

در عهد عباسیان گاهی کسوه کعبه در بغداد بافته می‌شد و همین امر باعث رونق پارچه‌بافی در عراق شده بود و نقش مهمی در مرغوبیت و شهرت منسوجات عراقی داشت.<sup>۳۵</sup> گاهی هم از قریه تنیس مصر تهیه می‌شد که از جمله آنها در سال ۱۶۲ در عهد خلافت مهدی عباسی بود.<sup>۳۶</sup>

مطلب مهمی که مورخان درباره کسوه کعبه در زمان مأمون از آن خبر داده‌اند، داستان پوشاندن کعبه به وسیله علوی‌ها و طالبیین در سال ۲۰۰ هجری است. در این سال مکه به دست علویانی که بر ضد عباسیان قیام کرده بودند افتاد و کعبه با کسوه‌ای که «ابو السرایا» تهیه نموده و به مکه فرستاده بود، پوشانیده شد، هرچند که پیش از پوشانیدن کعبه، خود ابوالسرایا کشته شده بود، ولی حسین بن حسن الافطس از علویان که در مکه بود، در اول ماه محرم پس از آن که حاجیان از مکه رفتند، دستور داد کسوه ارسالی ابوالسرایا را آورده و پس از کندن پوشش قبلی کعبه آن کسوه را بر قامت کعبه استوار کردند. در این کسوه نوشته شده بود:

أمر به الأصفر بن الأصفر ابوالسرایا داعية آل محمد لكسوة بيت الله الحرام وأن  
 يطرح عنه كسوة الظلمة من ولد العباس لتطهر من كسوتهم. وكتب في سنة تسع  
 و تسعين ومائة.<sup>۳۷</sup>

«اصغر بن اصفربن ابوالسرایا مبلغ آل محمد دستور داد تا بیت الله الحرام با این پرده پوشانیده شود و کسوه ستمگران از بنی عباس، از آن پایین بیاید تا کعبه از کسوه آنها پاک گردد. و در تاریخ صد و نود و نه نوشته شد.»

تا سال ششصد و شصت و یک که کسوه کعبه به انحصار حاکمان مصر در آمد، کسوه همواره از طرف خلفای عباسی تهیه می‌شد و کسوه را گاهی از مصر و گاهی از یمن و گاهی از خراسان تهیه می‌کردند.

ابن عبدربه (متوفای سال ۳۲۸ هـ.) از کسوه کعبه در زمان خودش چنین گزارش

می‌دهد:

«همه بیت را می‌پوشانند مگر رکن حجرالاسود را که به اندازه یک و نیم برابر قامت انسان باز گذاشته می‌شود و چون موسم حج رسید کعبه را با «قباطی» که دیباج سفید خراسانی است، می‌پوشانند و مادام که حجاج در حال احرام هستند همان کسوه سفید بر کعبه باقی می‌ماند و چون از احرام بیرون آمدند؛ یعنی روز عید قربان، کعبه نیز محل می‌شود و به آن کسوه‌ای از دیباج سرخ خراسانی می‌پوشانند و در آن خانه‌هایی است که در آنها حمد و تسبیح و تکبیر و تعظیم خدا نوشته شده است و کعبه تا سال بعد به همین صورت می‌ماند که دوباره بگونه‌ای که گفته شد پوشانیده شود. و چون کسوه‌ها بر روی کعبه زیاد شود بطوری که سنگینی آنها بر کعبه خطر داشته باشد، قسمت‌هایی از آن برداشته می‌شود و آنها را خادمان بیت که همان بنو شیبه هستند، بر می‌دارند.»<sup>۳۸</sup>

گزارش‌های متفرقه‌ای نیز از تهیه کسوه در عهد عباسیان، از طرف آنها یا افراد دیگر، وجود دارد:

قلقشندی از کسوه کردن فاطمیان مصر در سال ۳۸۱ خبر می‌دهد که با پارچه سفید بوده ولی بعد که کسوه مجدداً از طرف عباسی‌ها آمد، رنگ مشکی داشت که شعار عباسیان بود و بعدها هم که ملوک مصر بر حجاز تسلط یافتند. رنگ کسوه همان مشکی بود.<sup>۳۹</sup>

به گفته «فاسی» کعبه در زمان الحاکم و المستنصر عبیدی، با دیباج سفید پوشانیده می‌شد تا این که در سال ۴۶۶ شخصی به نام ابونصر استرابادی کسوه سفیدی که در هند بافته شده بود بر کعبه پوشانید و در همین سال کسوه دیگری که زرد رنگ بود پوشانیده شد. این کسوه را سلطان محمود بن سبکتکین حمل می‌کرد و نظام الملک وزیر ملک شاه بن الب ارسلان سلجوقی بر آن چیره شد و آن را به مکه فرستاد و همان را روی کسوه ابو نصر نصب





کردند.<sup>۴۰</sup>

در سال ۵۳۲ به خاطر ضعف عباسی‌ها و اختلافاتی که بوجود آمده بود، کسوه کعبه از طرف خلیفه نرسید و در این سال مردی به نام «رامشت» که یک تاجر ایرانی بود، کسوه‌ای از پارچه‌های نفیس به قیمت هیجده هزار دینار مصری تهیه کرد و بر کعبه پوشانید.<sup>۴۱</sup>

الناصر لدین الله که در سال ۵۷۵ ه. ق. به خلافت رسید کسوه سبز رنگی از دیباج به کعبه پوشانید و از عهد مأمون تا این زمان کسوه به رنگ سفید بود و سپس همو (ناصر) در سال ۶۲۱ پرده‌ای به رنگ سیاه بر کعبه پوشانید و از این زمان به بعد رنگش همیشه سیاه بود.<sup>۴۲</sup>

ابن جبیر (متوفای سال ۶۱۴) کسوه سبز رنگ کعبه را خود دیده و در کتابش از آن یاد کرده است. او می‌گوید:

ظاهر کعبه از چهار طرف با حریر سبز پوشانیده شد و در آن نوشته شده: «ان اَوَّل بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بَکَّةَ...» همچنین نام الامام الناصر لدین الله در جایی به اندازه سه ذرع نوشته شده است.<sup>۴۳</sup>

و همو در جای دیگر، مشخصات بیشتری درباره پرده سبز رنگ به دست می‌دهد:

«کسوه سبز رنگ کعبه مقدسه، سی و چهار تکه است؛ میان رکن یمانی و شامی نُه تکه و میان دیوار مقابل رکن حجرالاسود و عراقی نُه تکه و میان عراقی و شامی هشت تکه و میان رکن حجرالاسود و رکن یمانی هشت تکه است و چنان بهم پیوسته که به نظر یک تکه می‌آید.»<sup>۴۴</sup>

در جای دیگر می‌گوید:

«روز بیست و هفتم ذیقعد، استار کعبه را به اندازه یک و نیم قامت انسان از هر چهار طرف بالا زدند و این کار را به عنوان احرام بستن کعبه می‌نامند و می‌گویند: کعبه احرام بست و این عادت همواره در این ماه بوده است.»<sup>۴۵</sup>

و در بخش دیگری آورده است:

«در روز نحر، کسوه کعبه، از محله امیر عراقی مکه بر روی چهار شتر آورده شد و در جلو آنها قاضی با لباس مشکی می‌آمد و بالای سر او پرچم‌هایی گرفته بودند و پیشاپیش او طبل‌ها به صدا درآمده بود ... کسوه را پشت بام کعبه قرار دادند و در روز سیزدهم افرادی از بنی شیبه آن را باز کردند. رنگ آن سبز زیبا بود و چشم‌ها را نوازش می‌کرد.»<sup>۴۶</sup>

در سال ۶۴۴ در اثر طوفان شدیدی که در مکه به وجود آمد، کسوه کعبه پاره شد و نایب حاکم یمن از شیخ حرم به نام منصور بن منعه بغدادی خواست که کسوه را او تهیه کند. او گفت: کسوه را فقط از مال خلیفه می‌توان تهیه کرد و مبلغ سیصد هزار دینار قرض کرد و پرده‌ای از پنبه تهیه نمود و به آن رنگ سیاه زد و به کعبه پوشانید.<sup>۴۷</sup>

همانگونه که گفتیم از زمان الناصر لدین الله از سال ۶۲۱ به بعد، کسوه کعبه همواره مشکی بوده است. ابن ابوصیف مفتی مکه، در عصر خود از یکی از شیوخ نقل می‌کند: علت این که پوشش کعبه رنگ سیاه دارد این است که او زائرانی را که در طول تاریخ طوافش می‌کردند، از دست داده و عزادار آنهاست. مهلهل دمیاطی گفته است:

یروق لی منظر البیت العتیق اذانبدا. کأن حلیتها السوداء قد نسجت

من حبة القلب أو من أسود المقل<sup>۴۸</sup>

قزوینی (متوفای ۶۸۲) می‌گوید: «بیت هم ظاهر و هم باطنش با دیباج پوشیده شده و هر وقت کسوه آن زیاد شود، آنها را خدمه بیت، که همان بنی شیبه هستند، برمی‌دارند.»<sup>۴۹</sup> بعد از انقراض عباسیان، چندین سال پرده از یمن آمد و در سال ۶۵۹ ملک مظفر از یمن فرستاد و اولین کس از ملوک مصر که کسوه کعبه را تقدیم کرد، ملک ظاهر بندقداری بود که در سال ۶۶۱ فرستاد<sup>۵۰</sup> و در سال ۷۴۳ ملک صالح اسماعیل بن محمد قلاوون پادشاه وقت در مصر قریه‌ای را در نواحی قاهره، در منطقه «قلیوبیه» برای کسوه کعبه و حجره نبوی وقف کرد.<sup>۵۱</sup>

ابن تغری در شرح حال ملک صالح از این وقف یاد می‌کند و نام قریه را «سندییس» در ناحیه قلیوبیه ذکر می‌کند لیکن می‌گوید: «این وقف مربوط به خدمه ضریح شریف نبوی بود» و نامی از کسوه کعبه نمی‌برد.<sup>۵۲</sup>

بعدها قریه‌های دیگری نیز در مصر به این قریه اضافه شده که شرح آن خواهد آمد. از کسانی که درباره پرده کعبه در زمان خود اطلاعاتی به دست داده‌اند ابن بطوطه است که خود در سال ۷۲۵ عازم مکه شد و ماههای حج را در آنجا بود. وی ضمن دادن اطلاعات با ارزشی از منازل میان مدینه و مکه و مواقف گوناگون و وضع معیشت مردم مکه و حاجیان در آن زمان، درباره پرده می‌گوید:



«در روز بیست و هفتم ذیقعدہ استار کعبه را به اندازه یک و نیم برابر قامت انسان از چهار طرف بالا می‌برند تا دست‌ها به آن نرسد و این عمل را احرام بستن کعبه می‌نامند.»<sup>۵۳</sup>

و نیز می‌گوید: «در روز عید قربان کسوه کعبه از کاروان مصر به بیت آورده شد و در پشت بام آن قرار گرفت. روز سوم از عید قربان، افرادی از بنی شیبه آن را بر روی کعبه باز کردند و آن کسوه رنگ سیاه داشت و از حریر مخلوط با کتان بافته شده بود و در بالای آن با خط سفید نوشته شده بود: «جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاماً...» و در جهات دیگر نیز آیاتی از قرآن با خط سفید نوشته شده و از میان رنگ مشکی مانند نور می‌درخشید. و چون کسوه بر کعبه پوشانیده شد دامن آن را بالا بردند تا دست مردم به آن نرسد و کسی که متولی کسوه می‌شود، ملک ناصر است که مخارج قاضی و خطیب و ائمه جماعات و مؤذنین و ... را می‌فرستد.»<sup>۵۴</sup>

یک قرن بعد از ابن بطوطه، ابو عباس قلقشندی (متوفای ۸۲۱) از کسوه کعبه در زمان خود سخن می‌گوید. او پس از ذکر تاریخچه‌ای از کسوه کعبه در زمان‌های قدیم، می‌گوید:

«آنچه در زمان ما رسم شده، این است که کعبه را با دیباج سیاه می‌پوشانند بطوری که از بالا تا پایین می‌رسد و در بالای آن طرازی است با رنگ سفید از اصل بافته که در آن نوشته شده: «ان اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارکاً...» و در دولت ناصریه، طراز از رنگ سفید به رنگ زرد تغییر داده شد ... و در سال ۸۱۴ کسوه طرف در کعبه با پارچه‌های کبود رنگ مزین شده بود.»<sup>۵۵</sup>

و در جای دیگر می‌گوید:

«در زمان ما در طول سال، بیش از یک کسوه بر کعبه پوشانیده نمی‌شود و آن کسوه را به آن صورتی که گفتیم در مصر می‌سازند سپس با کاروان به مکه حمل می‌شود و دامن کسوه قبلی به اندازه قامت انسان بریده می‌شود و دیوار آن قسمت آشکار می‌گردد تا این که در روز ... کسوه قبلی را برمی‌دارند و کسوه جدید را می‌پوشانند و مقام هم به نسبت کسوه کعبه پوشانیده می‌شود و بنو شیبه حاجبان کعبه، کسوه قبلی را برمی‌دارند و به حجاج و اهل آفاق هدیه می‌دهند.»<sup>۵۶</sup>

در زمان تقی الدین فاسی مؤلف کتاب «شفاء الغرام باخبار البلد الحرام» که تقریباً با قلقشندی معاصر بوده و در سال ۸۳۲ درگذشته است، وضع کسوه کعبه به همان صورت بوده که قلقشندی گزارش کرده، منتهی فاسی جزئیات بیشتری را به دست می‌دهد.

اویس از نقل کلام ابن جبیر مبنی بر این که در روز بیست و هفتم ذیقعدہ دامن کسوه را بالا می‌برند، می‌گوید:

«کلام ابن جبیر با آنچه که در زمان ما انجام می‌دهند از دو جهت اختلاف دارد: نخست این که در زمان ما در روز بیست و پنجم ذیقعدہ بالا می‌برند. دوم این که در روز بیست و هفتم ذیقعدہ کسوه کعبه را از بالای در کعبه قطع می‌کنند در حالی که در کلام ابن جبیر صحبت از قطع نیست بلکه صحبت از بالا بردن است.»<sup>۵۷</sup>

همچنین تقی الدین فاسی دربارهٔ مراسم پوشاندن کعبه در زمان خودش چنین گزارش می‌دهد:

«در این زمان از چهار سال به این طرف، کسوه کعبه را در عید قربان از منای آورند بلکه امیر حاج مصری می‌آید و با او پرچم‌هایی است و طبل‌ها و بوق‌ها زده می‌شود تا او داخل مسجدالحرام گردد آنگاه کسوه کعبه را از داخل بیت بیرون می‌آورند و در صحن مسجد از قسمت یمانی پهن می‌شود و کسوه هر قسمت مشخص می‌گردد و یاران امیر همراه با حاجبان کعبه، کسوه را بالا می‌برند تا کامل گردد بگونه‌ای که گفتیم بر کعبه پوشانیده شود. علت این که کسوه را پیش از مراسم حج در داخل کعبه قرار می‌دهند، این است که از سرقت محفوظ ماند چون پیش از این از اقامتگاه امیر حاج مصری در منا، قسمتی از کسوه به سرقت رفته بود و امیر مقداری پول داده بود تا آن را برگردانند و لذا امرای بعدی موقع رفتن به موقف، کسوه را به داخل کعبه می‌گذارند. در سال ۸۱۸ کعبه در چهارم ذیحجه پوشانیده شد و تا نیمهٔ بالای کعبه آمده بود و در سال ۸۱۹ مانند عادت قبلی که ما دیده‌ایم در روز عید قربان پوشانیده شد و در سال ۸۲۰ و ۸۲۱ در سوم ذیحجه این کار انجام گرفت سپس در سال ۸۲۵ باز در روز عید قربان پوشانیده شد.»<sup>۵۸</sup>

همانگونه که گفتیم، عادت بر این بود که کسوه کعبه از طرف پادشاهان مصر تهیه می‌شد و کسی حق نداشت پرده‌ای برای کعبه بفرستد تا این که در سال ۸۴۸ شاهرخ میرزا فرزند امیر تیمور گورکان، پس از تلاش بسیار موفق شد که پرده را از ایران بفرستد.

داستان از این قرار بود که چون شاهرخ میرزا در سال ۸۰۷ در خراسان به سلطنت رسید، یکی از آرزوهای او این بود که پرده کعبه را او تهیه کند ولی تهیه و ارسال کسوه در انحصار پادشاهان مصر بود. شاهرخ طی نامه‌ای به «الملک الاشرف» تقاضایی از او کرد که مهمترین آنها این بود که اجازه دهد کسوه کعبه را او تهیه کند. سلطان مصر نپذیرفت و نامه‌های متعددی میان آنها رد و بدل شد و سرانجام در سال ۸۴۳ «الملک الاشرف»

درگذشت و پسر او بنام «الملک الظاهر» در جای او نشست و او موافقت خود را با درخواست شاهرخ میرزا اعلام کرد و شاهرخ با خوشحالی تمام کسوه‌ای را که در شهر یزد ساخته و به هرات انتقال داده شده بود، همراه با صد نفر در سال ۸۴۸ به مصر فرستاد و پادشاه مصر ضمن استقبال شایسته از ایرانیان، آنها را در همان سال همراه با حاجیان مصر به مکه اعزام کرد و در آن سال کسوه ایرانی بر قامت کعبه برافراشته شد.<sup>۵۹</sup>

از زمانی که عثمانی‌ها بر حجاز و مصر مسلط شدند، تهیه کسوه کعبه در انحصار آنان بود آنها کسوه کعبه را از مصر از محل اوقافی که برای این منظور بود، آماده و ارسال می‌کردند. در عهد سلیمان شاه بن سلیمان خان اوقاف کعبه در مصر، مخارج کسوه را تأمین نکرد و لذا سلیمان شاه ده قریه دیگر در مصر خریداری کرد و بر اوقاف کعبه افزود. نام ده قریه‌ای که در مصر وقف پرده کعبه شده بود، عبارت بودند از: بیسوس، ابوالغیث، حوض بقمص، سلکه، سروبجنجه، قریش الحجر، منایل و کرم رحان، بجام، منیه النصارى و بطالیا.<sup>۶۰</sup>

برای این ده قریه وقفنامه مفصلی تهیه شد و طی آن منافع حاصل از این ده قریه به تهیه پرده کعبه اختصاص یافت.<sup>۶۱</sup>

به همین جهت بود که در مصر کارگاهی برای بافت کسوه تأسیس گردید. این کارگاه نزدیک قصر سلطان بود و به «قصر الکسوه» شهرت یافت. رئیس دار الکسوه را «ناظر الکسوه» می‌نامیدند. هم اکنون نیز در قاهره محله‌ای به نام قصر الکسوه وجود دارد.<sup>۶۲</sup>

رشدی صالح در تعلیقاتی که به کتاب اخبار مکه ازرقی دارد، می‌نویسد:

«تا سال ۱۱۱۸ پرده از مصر می‌آمد و در این سال سلطان احمد بن محمد رابع عثمانی دستور داد که کسوه داخلی را در استانبول بسازند. و همچنان کسوه از طرف عثمانی‌ها می‌آمد تا این که سعود بن عبدالعزیز در حجاز قدرت یافت و ارسال کسوه از طرف عثمانی‌ها قطع شد و در سال ۱۲۲۱ سعود کسوه‌ای برای کعبه تهیه کرد و چون دوباره حجاز به تصرف عثمانی‌ها درآمد، مجدداً کسوه از مصر می‌آمد و در سال ۱۳۳۳ با شروع جنگ جهانی، انگلستان از آمدن کاروان مصر، که کسوه را می‌آورد، جلوگیری نمود (زیرا عثمانی‌ها با آلمانی‌ها بودند) و تنها اجازه داد که کسوه را بیاورند.

تا سال ۱۳۳۳ عادت بر این بود که تنها نام سلطان عثمانی بر کسوه نوشته می‌شد ولی

در این سال نام سلطان کامل حسین نیز، که بر مصر سلطنت داشت، در کنار نام عثمانی نوشته شد.

تا سال ۱۳۴۱ کسوه همچنان از مصر می‌آمد که در این سال اختلافاتی میان مصر و حجاز به وجود آمد و کسوه به مصر برگردانیده شد و در سال ۱۳۴۲ روابط دو کشور خوب شد و باز کسوه از مصر آمد و در سال ۱۳۴۳ عبدالعزیز آل سعود کسوه‌ای از منطقه «احسا» تهیه نمود. در سال ۱۳۴۴ مجدداً کسوه از مصر آمد. در سال ۱۳۴۵ باز روابط میان مصر و حجاز تیره شد و کسوه از مصر نیامد و عبدالعزیز کسوه را تهیه کرد و در سال ۱۳۴۶ همو مؤسسه‌ای را جهت بافت کسوه در محله اجیاد مکه تأسیس نمود و از هند بافندگانی آورد تا این که کسانی از خود مکه این صنعت را یاد گرفتند.»<sup>۶۳</sup>

و بدینگونه اولین کسوه‌ای که در خود مکه بافته شد، در سال ۱۳۴۶ بود. این کسوه از حریر طبیعی بود و رنگ مشکی داشت. به گفته مؤلف الکعبة و الکسوه: در یک طرف این کسوه، آیه شریفه: «و اذ جعلنا البيت مثابة...» و در طرف دیگر: «قل صدق الله فاتبعوا ملة ابراهيم...» و در جهت غربی: «و اذ بوأنا لابراهيم...» و در جهت چهارم این جملات نوشته شده بود:

«هذه الكسوة صنعت في مكة المباركة المعظمه بأمر خادم الحرمين الشريفين جلالة

الملك الامام عبدالعزيز بن عبدالرحمن الفيصل آل سعود ... سنة ۱۳۴۶.»<sup>۶۴</sup>

تا سال ۱۳۵۸ کسوه کعبه در همان کارگاهی که عبدالعزیز ساخته بود تهیه می‌شد تا این که دولت مصر از عبدالعزیز خواست که اجازه دهد کسوه مجدداً از مصر حمل شود و عبدالعزیز این اجازه را داد و کارگاه مزبور تعطیل شد و بار دیگر کسوه از مصر آمد و این کار تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت ولی در این سال میان جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر و ملک سعود پادشاه عربستان بهم خورد و کسوه کعبه از مصر تا بندر جده حمل شد ولی در اثر اختلاف میان مقامات سعودی و فرمانده کشتی مصری، این کشتی که حامل کسوه و حجاج مصری بود به مصر بازگشت. در آن سال سعودی‌ها در تلاش برای تهیه کسوه کعبه به هند و پاکستان و سوریه و ژاپن سفر کردند ولی موفق نشدند اما وقتی به کارگاه تعطیل شده عبدالعزیز مراجعه کردند قطعه‌هایی را یافتند و از تنظیم آنها کسوه کاملی آماده کردند و در دهم ذیحجه ۱۳۸۲



کعبه را با آن پوشانیدند.<sup>۶۵</sup>

از آن زمان به بعد و تا کنون کسوه کعبه در خود مکه تهیه می‌شود و محلی که اکنون برای بافت کسوه در نظر گرفته شده، در مدخل مکه در زمینی به مساحت صد هزار متر مربع قرار دارد و مشتمل بر آلات نساجی و بافندگی دستی و هم ماشین آلات جدید می‌باشد.

کسوه کامله هم اکنون از ۵۴ قطعه تشکیل می‌شود که طول هر قطعه ۱۴ متر و عرض آن ۹۵ سانتی متر و مساحت کامل کسوه ۲۶۵۰ متر مربع و محیط حزام کسوه ۴۵ متر و عرض آن ۹۵ سانتی متر و ۱۶ قطعه است. ستاره باب کعبه از چهار قطعه متصل بهم تشکیل شده که طول آن ۷/۵ متر و عرض آن ۴ متر است و در حزام و ستاره آیات قرآنی با نخ نقره مطلا نوشته می‌شود. حریری که کسوه از آن بافته می‌شود ۶۷۰ کیلو و از حریر طبیعی سفید است و نخ‌های نقره‌ای که در ستاره و حزام مصرف می‌شود ۱۲۰ کیلو می‌باشد.<sup>۶۶</sup>

اکنون که از ذکر تاریخ کسوه کعبه فارغ شدیم توجه خوانندگان محترم را به چند نکته جلب می‌کنیم:

۱ - پس از آن که کسوه قبلی کعبه از روی آن برداشته شد، درباره خرید و فروش آن میان فقهای اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد، بعضی‌ها به جواز و بعضی‌ها به حرمت آن فتوا داده‌اند و از عایشه و ابن عباس نقل جواز شده است.<sup>۶۷</sup>

اما در فقه شیعه خرید و فروش کسوه کعبه، جایز شناخته شده ولی کفن کردن میت با آن حرام است روایات متعددی در این مضمون وارد شده که از جمله آنهاست:

عن مروان بن عبدالمک قال: «سألت أبا الحسن عن من اشترى من كسوة الكعبة شيئاً ففرضى ببعضه حاجته وبقی بعضه فی یده، هل یصلح بیعه؟ قال: بیع ما أراد و یهب ما لم یرد و یستفیع به و یطلب برکته. قلت: أیفکن به المیت؟ قال: لا».<sup>۶۸</sup>

مروان بن عبدالمک می‌گوید: «از امام رضا - ع - پرسیدم درباره کسی که مقداری از کسوه کعبه را خریداری کرده و با قسمتی از آن نیاز خود را برطرف ساخته و قسمتی در دست او مانده آیا می‌تواند آن را بفروشد؟ فرمود: آنچه را بخواهد می‌فروشد و آنچه را که نخواهد هبه می‌کند و از آن بهره می‌جوید و برکت آن را می‌طلبید. گفتم: آیا می‌توان با آن مرده‌ای را کفن کرد؟ فرمود: نه.»

این که با کسوه کعبه نمی‌توان میت را کفن کرد، در چند حدیث دیگر هم آمده است و

به گفته صاحب جواهر شاید علت آن حریر بودن کسوه کعبه است و می‌دانیم که کفن کردن از حریر هم برای مرد و هم برای زن جایز نیست.<sup>۶۹</sup>

۲- بطوری که دیدیم کسوه کردن برای کعبه از اهتمام خاصی میان مسلمانان برخوردار بوده است و برای همین جهت است که در طول تاریخ در بحرانی‌ترین شرایط هم کسوه کردن کعبه انجام گرفته است. به دو قطعه تاریخی در این زمینه توجه کنید:

□ ناصر خسرو می‌گوید: «در سنه ۴۳۹ سجد سلطان بر مردم خواندند که امیرالمؤمنین می‌فرماید که حجاج را امسال مصلحت نیست که سفر حجاز کنند که امسال در آنجا قحطی و تنگی است و خلق بسیار مرده است این معنا به شفقت مسلمانی می‌گویم. و حجاج در توقف ماندند و سلطان جامه کعبه می‌فرستاد به قرار معهود که هر سال دو نوبت جامه کعبه بفرستادی و این سال چون جامه به راه قلمز گسیل کردند من با ایشان برفتم.»<sup>۷۰</sup>

□ در کتب تاریخی آمده است که در سال ۵۵۸ فتنه‌ای در مکه رخ داد و جماعتی از بردگان مکه شورش کردند بطوری که حجاج نتوانستند وارد مکه شوند و تنها وقوف به عرفات کردند و میان شورشیان و امیر مکه درگیری سختی به وجود آمد اما در همان سال خادم مسجدالحرام وارد مسجد شد و کسوه کعبه را که با او بود بر کعبه پوشانید.<sup>۷۱</sup>

۳- مراسم پوشاندن کعبه، همانگونه که پیشتر آوردیم، تشریفات مخصوصی داشت و علاوه بر تشریفاتی که در مکه و بهنگام تعویض کسوه انجام می‌گرفت، در سال‌هایی که کسوه از مصر می‌آمد، در خود مصر نیز تشریفاتی صورت می‌گرفت. در ماه ذیقعد هر سال در خیابان‌های قاهره مراسمی برپا می‌شد و کسوه کعبه را از کارگاه آن در «خرنفش» به مسجد امام حسین منتقل می‌کردند و از آنجا به میدان محمدعلی می‌آوردند و در آن روز ادارات و مراکز تجاری تعطیل می‌شد و نظامیان از مقابل کسوه رژه می‌رفتند و پانزده روز کسوه را در مسجد امام حسین نگه می‌داشتند و مردم با ازدحام تمام نذورات و عطایای خود را نثار می‌کردند.<sup>۷۲</sup>

۴- علاوه بر پوشش خارجی کعبه که همه ساله و گاهی چند بار در سال عوض می‌شد، داخل کعبه نیز دارای پوشش خاصی بود که هر چند سال یک بار تعویض می‌کردند چون از آفتاب و باران و تماس مردم در امان بود و به زودی از بین نمی‌رفت.





ناصر خسرو که در سال ۴۳۹ وارد جوف کعبه شده، از کسوه داخل کعبه چنین یاد می‌کند: «جامه‌ای که خانه بدان پوشیده بود، سپید بود و به دو موضع طراز داشت.»<sup>۷۳</sup> بر خلاف اظهار ناصر خسرو که کسوه درون کعبه را سفید گزارش می‌کند، فاسی می‌گوید: کسوه داخل کعبه که توسط ملک ناصر حسن تهیه شده و سالهاست که بر آن مانده است، از پارچه حریر سیاه است.<sup>۷۴</sup>

### مشخصات منابع

#### الف - کتب حدیث و فقه:

وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، افست بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱  
 جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، افست بیروت، ۱۹۸۱ میلادی  
 الاحکام السلطانیه، ابوالحسن الماوردی، افست قم، بدون تاریخ

#### ب - کتب مربوط به تاریخ مکه:

اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ابوالولید محمد بن عبدالله الأزرقی، مکه دارالثقافه، ۱۴۰۳  
 اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، محمد بن اسحاق الفاکهی، مکه، ۱۴۰۷  
 اتحاف الوری بأخبار ام القری، نجم عمر بن فهد، مکه جامعه ام القری، ۱۴۰۴  
 شفاءالغرام بأخبار البلد الحرام، تقی الدین محمد بن احمد الفاسی، بیروت دارالکتب العربی،  
 ۱۴۰۵

مرآةالحرمین، ابراهیم رفعت پاشا، قاهره، ۱۳۴۴

تاریخ مکه، احمد السباعی، مکه نادى الثقافى، ۱۴۰۴

التاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم، محمد طاهر الکردی المکی، مکه، مکتبه النهضه  
 الحدیثه، ۱۳۸۵

تاریخ الکعبه المعظمه عمارتها و کسوتها و سدانتها، حسین عبدالله باسلامه، جدّه، ۱۴۰۲

تاریخ عماره الحرم المکی، فوزیه حسین مطر، جدّه، ۱۴۰۲

الکعبه و الکسوه، احمد عبدالغفور عطار، مکه، ۱۳۹۷

### ج- کتب تاریخ و ادبیات:

السیرة النبویه، عبدالملک بن هشام، قاهره مصطفی البابی الحلبی و اولاده، ۱۳۵۵  
 تاریخ الامم و الملوک، محمد بن جریر طبری، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸  
 الروض الأثف، عبدالرحمن بن ابی الحسن السهلی، بیروت دارالفکر، ۱۴۰۹  
 مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، افسس قم دارالهجره، ۱۴۰۴  
 البداية و النهایه، ابن کثیر دمشقی، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹  
 تاریخ الخلفاء، جلال الدین سیوطی، قاهره المكتبة التجارية، ۱۳۷۱  
 الکامل فی التاریخ، ابن اثیر جزری، بیروت دارالکتب العربی، ۱۳۸۷  
 النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، جمال الدین ابن تغری بردی، مصر وزارة الثقافة،  
 ۱۳۸۳

العقد الفرید، احمد بن محمد بن عبدربه اندلسی، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷  
 صبح الاعشى فی صناعة الانشاء، ابوالعباس قلقشندی، قاهره عالم الکتب، بی تاریخ  
 فتوح البلدان، ابوالحسن البلاذری، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸  
 حبيب السیر، خواندمیر، تهران کتابفروشی خیام، ۱۳۵۳  
 مطلع السعدین، عبدالرزاق سمرقندی، تهران کتابخانه طهوری، ۱۳۵۳  
 تاریخ ادبیات ایران، دکتر ذبیح الله صفا، تهران انتشارات فردوس، ۱۳۶۶

### د- کتب جغرافیایی و سفرنامهها:

مختصر البلدان، احمد بن محمد همدانی (ابن الفقیه)، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸  
 معجم البلدان، شهاب الدین یاقوت حموی، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹  
 رحلة ابن جبیر، ابوالحسین احمد بن جبیر، بیروت الشركة العالمية للكتاب، بدون تاریخ  
 رحلة ابن بطوطة، بیروت الرساله، ۱۴۰۵  
 نزهة القلوب، حمدالله مستوفی، تهران ذنیای کتاب، ۱۳۶۲  
 آثار البلاد و اخبار العباد، زکریا بن محمود قزوینی، بیروت دار صادر، بی تاریخ  
 سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، تهران کتابفروشی محمودی، بی تاریخ

### ه- مجلات:

میقات حج، تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت  
 المورد، بغداد، وزارة الثقافة و الاعلام



### ● پی نوشتها:

- ۱- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۷
- ۲- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۴
- ۳- فاسی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۱۹۷
- ۴- احمد عبد الغفور، الکعبه و الکسوه، ص ۱۱۹
- ۵- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵؛ ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۰؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۴۲۷؛ یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۶۵؛ ابن فقیه، البلدان، ص ۲۳ و منابع دیگر.
- ۶- حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، ص ۶
- ۷- طبری، ج ۱، ص ۴۲۷
- ۸- ابن هشام، ج ۱، ص ۲۵
- ۹- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۲۳۰
- ۱۰- سهیلی، الروض الانف، ج ۱، ص ۴۰ این اشعار را ازرقی نیز آورده، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۰ و نیز یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۶۵ ضمناً مسعودی این اشعار را به بعضی از حمیری ها نسبت می دهد: مروج الذهب، ج ۱، ص ۸۲
- ۱۱- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۹۷
- ۱۲- ماوردی، الاحکام السلطانیه، ص ۱۶۲؛ الروض الانف، ج ۱، ص ۲۲۴؛ فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۲۳۱
- ۱۳- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۶۵
- ۱۴- ابن هشام، ج ۱، ص ۲۱۱
- ۱۵- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۹۷
- ۱۶- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۱
- ۱۷- همان.
- ۱۸- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۹۵؛ و بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۷
- ۱۹- اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۶
- ۲۰- احمد عبد الغفور عطار، الکعبه و الکسوه، ص ۱۳۶
- ۲۱- حسین عبدالله باسلامه، تاریخ الکعبه عمارتها و کسوتها و سدانته، ص ۲۴۹
- ۲۲- بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۷
- ۲۳- اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۳
- ۲۴- همان.
- ۲۵- همان، ص ۲۶۰
- ۲۶- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۹۶
- ۲۷- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۴

- ۲۸ - اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۴
- ۲۹ - همان، ص ۲۶۰. این گزارش از رقی با گزارش دیگر او منافات دارد که گفته است: عمر هر سال کسوه قبلی کعبه را می‌کند و آن را میان حجاج تقسیم می‌کرد. (اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۹)
- ۳۰ - شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۹۶
- ۳۱ - تاریخ الکعبه، ص ۲۵۲
- ۳۲ - اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۵
- ۳۳ - اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۶
- ۳۴ - شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۹۶؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۶
- ۳۵ - مجله المورد، ج ۹، شماره ۴، ص ۱۷۳
- ۳۶ - فوزیه حسین مطر، تاریخ عمارة الحرم المکی، ص ۱۶۱
- ۳۷ - طبری، ج ۵، ص ۱۲۷ ضمن حوادث سال ۲۰۰
- ۳۸ - ابن عبدربه، العقد الفرید، ج ۷، ص ۲۸۵
- ۳۹ - قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۱
- ۴۰ - شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۹۹؛ و محمد طاهر الکردی، التاریخ القویم، ج ۴، ص ۱۹۸، در این منبع آمده است که از این کسوه مدت‌ها در نیشابور نگهداری می‌شد.
- ۴۱ - ابن اثیر، کامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۳۶۳
- ۴۲ - سیوطی، تاریخ خلفا، ص ۴۵۷
- ۴۳ - ابن جبیر، رحله، ص ۷۳
- ۴۴ - همان، ص ۷۸
- ۴۵ - همان، ص ۱۲۵
- ۴۶ - همان، ص ۱۳۴
- ۴۷ - ابن کنیر، البداية و النهایه، ج ۱۳، ص ۱۸۳
- ۴۸ - شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۰۰
- ۴۹ - قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۱۱۵
- ۵۰ و ۵۱ - همان، ص ۲۰۱
- ۵۲ - ابن تغری، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، ج ۱۰، ص ۸۵
- ۵۳ - رحله ابن بطوطه، ص ۱۶۸
- ۵۴ - همان، ص ۱۷۱
- ۵۵ - قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۲۸۲
- ۵۶ - همان، ص ۲۸۳ جای سه نقطه در اصل نسخه صبح الاعشی سفید بوده است.
- ۵۷ - شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۰۲ بطوری که نقل کردیم، قلقشندی نیز از قطع کسوه در ۲۷ ذیقعد خبر داده است.
- ۵۸ - همان، ص ۲۰۴

- ۵۹- تفصیل این جریان را در مجله میقات شماره ۵ (پاییز ۷۲) صفحه ۱۲۵ به بعد مقاله آقای آصف فکرت تحت عنوان: «جامه خراسانی بر قامت کعبه» ملاحظه فرمایید و نیز بنگرید به: النجوم الزاهرة، ج ۱۵، ص ۳۶۴؛ و سمرقندی، مطلع السعدین، ج ۲، ص ۸۳۶؛ و حبیب السیر، ج ۳، ص ۶۳۲؛ و ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۴، ص ۴۸
- ۶۰- سباعی، تاریخ مکه، ج ۲، ص ۴۸۳ تا ۴۸۵
- ۶۱- رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۵ (متن وقفنامه را آورده)
- ۶۲- مجله المورد، ج ۹، شماره ۴، ص ۱۷۳
- ۶۳- یاورقی اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۸
- ۶۴- احمد عبدالغفور، الکعبة و الکسوه، ص ۱۷۴ - ۱۷۳
- ۶۵- الکعبة و الکسوه، ص ۱۸۹ - ۱۸۰
- ۶۶- همان، ص ۱۹۷
- ۶۷- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۰۴
- ۶۸- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷۵۲
- ۶۹- جواهر الکلام، ج ۴، ص ۱۷۰
- ۷۰- سفرنامه ناصر خسرو، ص ۸۲
- ۷۱- عمر بن فهد، اتحاف الوری باخبار ام القرى، ج ۲، ص ۵۲۵؛ و ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۸، ص ۱۵۵
- ۷۲- مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۹؛ تاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۱۳
- ۷۳- سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۱۰
- ۷۴- شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۰۱